

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردمی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۴

جلسه چهارم - سه‌شنبه ۹۳/۷/۱

نقد شهید صدر بر کلام سید خویی رحمته الله

در صورتی که قائل شویم لاضرر با ادله‌ی احکام تعارض می‌کند، گرچه لاضرر به واسطه‌ی تعارض با دلیل «تَوْضُأً» ساقط می‌شود اما به واسطه‌ی معارضه، اطلاق دلیل لاضرر با دلیل لزوم احتیاط ساقط نمی‌شود؛ به دلیل آنکه این احتیاط به حکم عقل است و احتیاط به حکم عقل با لاضرر معارضه ندارد؛ زیرا هیچ‌گاه دلیل عقلی با دلیل لفظی معارضه نمی‌کند، ولی به نوعی می‌توان وجوب احتیاط را با لاضرر برداشت و حکم کرد این احتیاط نسبت به وضو لازم نیست؛ زیرا لزوم وضو شرعی است نه عقلی و از آنجا که می‌دانیم مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز نیست، به ناچار مکلف باید فرد دیگر یعنی تیمم را اتیان کند. بنابراین نتیجه‌ی تساقط لاضرر با نتیجه‌ی تقدیم لاضرر یکسان خواهد بود.

نقد و بررسی کلام شهید صدر رحمته الله

حقیقت آن است که فرمایش شهید صدر رحمته الله در اینجا محصّلی ندارد و اطلاق قاعده در رابطه با احتیاط نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ زیرا اگر بخواهد احتیاط را بردارد همان‌گونه که شهید صدر رحمته الله فرمودند این احتیاط به حکم عقل است و با لاضرر رفع نمی‌شود و اگر بخواهد منشأ احتیاط را بردارد فرض آنست که

۱. بحوث فی علم الأصول (تقریرات شاهرودی)، ج ۵، ص ۵۰۸:

و هذا الاعتراض قابل للجواب، فان إطلاق القاعدة لإيجاب الوضوء الضری و إن سقط بالمعارضة إلّا ان إطلاقها لإيجاب الاحتیاط فی وجوب الوضوء الضری المحتمل لا یسقط بالمعارضة إذ لا دلیل علی إيجاب الاحتیاط فی مورد العلم الإجمالی شرعا و انما هو بحکم العقل فیمکن رفعه بالقاعدة فی طرف الوضوء الضری مع بقاء وجوب الاحتیاط بلحاظ الطرف الآخر و هو التیمم علی حاله - لحرمة المخالفة القطعیة من دون لزوم ضرر منه - فنصل إلى نفس النتيجة المطلوبة

منشأ آن را به نحو حکم ظاهری برمی‌دارد و وقتی به نحو ظاهری رفع شود، طبق بیان سید خویی رحمته الله علم اجمالی واقعی همچنان باقی است و باید هم وضو گرفت و هم تیمم نمود و اشکال عود می‌کند. پس پاسخ شهید صدر رحمته الله فایده‌ای نخواهد داشت.

دفع اشکال سید خویی رحمته الله

از ادله استفاده می‌کنیم که مکلف دو قسم است؛ یا بر او طهارت مائیه واجب است یا طهارت ترابیه. اگر کسی بالفعل بر او طهارت مائیه واجب نباشد طهارت ترابیه بر او واجب است و کفایت می‌کند، لذا بعد از تعارض لاضرر و «تَوْضُأً» و تساقط آن دو، اگر شک کرد که آیا وضو واجب است یا خیر و اجرای برائت از وضو کرد، به ناچار موضوع برای طهارت ترابیه درست می‌شود؛ زیرا از ادله استفاده می‌شود کسی که بالفعل به هر دلیل بر او طهارت مائیه منجز نباشد وظیفه‌اش طهارت ترابیه است و «رفع ما لایعلمون» می‌گوید طهارت مائیه بالفعل منجز نیست و نیازی به بیانات مذکور وجود ندارد.

با این حال به نظر می‌رسد این سخن که همیشه نتیجه‌ی تساقط لاضرر با تقدیم لاضرر یکسان است، صحیح نباشد و کلیت نداشته باشد. از جمله در خود قضیه‌ی سمره که مورد دلیل لاضرر است، با تقدیم لاضرر سمره حق ورود بدون استیذان را نداشت؛ زیرا لاضرر سلطنت او را محدود نمود و از طرفی عمل او ایذاء مؤمن بود که حرام است. اما اگر لاضرر را مقدم نداریم و به سبب تعارض با دلیل سلطنت ساقط شوند و رجوع به اصل برائت شود، اصل برائت مجوز سمره برای ورود بدون استیذان خواهد بود، پس نتیجه متفاوت خواهد بود.

مگر اینکه کسی بگوید در این مورد نیز اصل برائت جاری نیست؛ زیرا خلاف امتنان بر انصاری است و نتیجه این می‌شود که همیشه برائت جاری نیست و نمی‌توان گفت با تساقط لاضرر همیشه برائت جاری است. و در موارد دیگر باید در فرصتی کافی تأمل کرد و چون سخن فرضی است بیش از این مطلب را دنبال نمی‌کنیم.

تنبیه دوم

در تقریرات مرحوم نائینی یعنی *فوائد الاصول* و *اجود التقریرات* مباحث لاضرر بیان نشده است، اما مرحوم شیخ موسی خوانساری رساله‌ای در لاضرر نگاشته‌اند که در انتهای منیه الطالب که تقریرات ایشان از درس مکاسب محقق نائینی رحمته الله است به طبع رسیده و ظاهراً این رساله هم تقریرات درس مرحوم آقای

نائینی است. در تنبیه سوم از تنبیهات این رساله، مطالبی بیان شده است که محور سخنان ما و برخی دیگر در این تنبیه است.

محصل فرمایش ایشان^۱ آن است که از آنجا که الفاظ بما لها من المعانی برای طبیعت آن معانی صرف نظر از علم و جهل مکلفین وضع شده است (مثلاً وقتی گفته می‌شود «الماء طهوراً» یعنی طبیعت آب، طهور است؛ چه آن را بشناسیم یا خیر. یا «الخمیر حرام» چه خمیر را بشناسیم یا نشناسیم) بنابراین علم و جهل در مفاهیم الفاظ دخالت ندارد و حکم بر واقع معانی رفته است، در نتیجه در قاعده‌ی لاضرر نیز آثاری که بر ضرر مترتب است، یعنی نفی حکم ضرری، بر طبیعت ضرر مترتب شده است و هر جا فی الواقع ضرری باشد، چه آن ضرر معلوم برای مکلف باشد و چه نباشد، آن ضرر موجب نفی احکام اولیه است. إلا اینکه از شیخ انصاری رحمته الله ظاهر می‌شود که باب وضو و ملحقات آن مانند صوم، از قاعده‌ی فوق خارج هستند و این گونه نیست که طبیعت ضرر، منشأ اثر باشد بلکه «ضرر معلوم» منشأ اثر است. چنان‌که در ثبوت خیار غین و عیب، ضرر مجهول با قید جهالت منشأ اثر می‌باشد.

در نتیجه باید گفت ضرر در سه حالت می‌تواند منشأ اثر باشد:

(الف) طبیعت ضرر؛ چه معلوم باشد چه نباشد.

(ب) ضرری که معلوم است.

(ج) ضرری که مجهول است.

جایی که ذات ضرر منشأ اثر می‌شود مثل اینکه: اگر کسی در منزل خود چاهی حفر کند که به همسایه‌اش ضرر وارد می‌کند، چه بداند این چاه او مضر است چه نداند و چه همسایه نیز بداند یا نداند، این ضرر منشأ حکم است و آثار بر آن مترتب است.

۱. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، ج ۲، رساله قاعدة لا ضرر (تقریرات خوانساری)، ص ۲۱۵:

الثالث مقتضى كون الألفاظ موضوعة للمعاني الواقعية دون المعلومة أن يكون الضرر المنفي هو الضرر الواقعي، علم به المتضرر أو لم يعلم و لكن يظهر من شيخنا الأنصاري قدس سره في الوضوء أنه يشترط في جريان أدلة نفى الضرر علم المكلف بكون الوضوء ضوريا و يظهر من غير واحد في المعاملة الغيبية أنه يشترط في جريان أدلة نفى الضرر كون المكلف جاهلا بالغين و سلکوا في غير هذين البابين غير هذا المسلك فجعلوا المدار على صدق الضرر واقعا من دون دخل للعلم أو الجهل به كما هو مقتضى كون الألفاظ موضوعة للمعاني الواقعية فحكموا بأنه لو كان حفر البئر في الدار موجبا لتضرر الجار فليس للمالك حفره علم الجار بالضرر أو لم يعلم و حينئذ يقع الإشكال بالنسبة إلى اعتبار العلم في باب الوضوء و ما يلحق به كالصوم و إلى اعتبار الجهل في المعاملة الغيبية و ما يلحق بها و عدم اعتبار العلم و لا الجهل في غير هذين البابين كمسألة تضرر الأنصاري و ما يلحق بها.

اما در وضو اگر فرد نداند این وضو برایش ضرر دارد، ولو فی الواقع ضرر هم باشد لاضرر کاربرد ندارد و لاضرر وجوب وضو را از او بر نمی‌دارد و این فرد اگر وضو بگیرد وضویش صحیح است، در حالی که اگر لاضرر حاکم بود یعنی فی الواقع امر به وضو ندارد و امر به تیمم دارد و وضوی او باطل است. همچنین است در صوم؛ اگر کسی نداند روزه‌اش ضرری است روزه‌اش درست است.

اما در خیار غبن و خیار عیب، زمانی با لاضرر این دو خیار ثابت می‌شود که مغبون علم به ضرر نداشته باشد و إلا اگر با علم به ضرر اقدام به معامله کند خیار غبن ندارد، کما اینکه اگر کسی عالماً جنس معیوبی بخرد خیار عیب ندارد.

نکته و رمز این سه کاربرد برای لاضرر چیست؟

وجوه بیان شده توسط مرحوم نائینی در توجیه أخذ علم در موضوع لاضرر در باب وضو و صوم

در مواردی که ذات ضرر ملاک است، در واقع طبق قاعده‌ی اولیه است، اما جایی که علم در کاربرد لاضرر دخیل است یعنی باب وضو و صوم، چه نکته‌ای وجود دارد؟ مرحوم نائینی دو وجه بیان فرموده‌اند.

وجه اول^۱

قاعده‌ی لاضرر امتنانی است و جایی جاری می‌شود که جریان آن نفعی به مکلف بدهد و إلا جاری نخواهد بود. بنابراین مکلفی که علم به ضرر ندارد (در باب وضو و صوم) اگر لاضرر در حق او جاری شود و امر به وضوی ضرری را نفی کند در حالی که مکلف خودش نمی‌داند، معنایش آنست که اگر وضو برایش ضرر دارد و او وضو بگیرد وضویش صحیح نیست و نماز با آن باطل است و اگر داخل وقت بفهمد باید اعاده کند و خارج وقت نیز قضا دارد. همچنین اگر کسی نداند روزه برایش ضرر دارد، اگر لاضرر بر اساس ضرر واقعی جاری شود روزه‌هایی که گرفته شده باید قضا کند. آیا این احکام برای او امتنان است؟! این امور خلاف امتنان است، لذا لاضرر جاری نمی‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالمهدی

۱. همان:

و أما مسألة الوضوء و الصوم فمضافا إلى أن كون الحديث مسوقا للامتنان يقتضى التقييد بالضرر المعلوم و إلا يلزم إعادة الوضوء و الصوم على من تضرر بهما و لم يعلم به و هذا خلاف المنّة ...